



محمد متقی

خواب ممنوع!

یکم قانون اساسی سخت می‌شود؛ که به حق بر مسکن، آن هم مسکن متناسب با نیاز برای هر فرد و هر خانواده تاکید کرده است. از مشروح مذاکرات قانون اساسی مظلوم هم که بخواهیم بگویم اینچنین گفتگویی هست که: «- باید معلوم شود که دولت چگونه و از چه محل و عوایدی این اصل [سی و یکم] را اجرا کند؟ + منبع‌اش بیت‌المال مسلمین است و دولت موظف به اجرایش است. (ص ۷۸۲)» هر سه قوه و همه نهادهای دارای ثروت و امکانات و قدرت و بودجه و برخوردار و بهره‌مند از ثروت عمومی و بیت‌المال باید وفادار به قانون اساسی باشند. مشروعیّت آن‌ها از همین میثاق ملی است. علی‌الخصوص قوه مجریه که مطابق اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون اساسی با رئیس اوست و بر اساس همان اصل سوم یکی از تعهداتش رفع فقر و برطرف ساختن هرگونه محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت است.

افزایش ظرفیت گرمخانه‌ها به تعداد مورد نیاز نیستند و جامعه اسلامی ما را با غرب وحشی مقایسه می‌کنند سطح مطالبه را از مطالبه حق بر مسکن و طراحی فرآیند دقیق برای جلوگیری از افزایش این آسیب‌ها و سیاست‌گذاری اقتصادی درست، به مطالبه اسکان آن هم در کوتاه مدت تقلیل می‌دهد.

■ گزارش اتوبوس‌خوابی تلخ بود مانند پشت‌بام خوابی، گورخوابی، کارتن خوابی و قس علی‌هذا اما واقعیت دارد: نمی‌توانیم تکذیبش کنیم... با این پدیده‌ها که مواجه می‌شویم حتی خواندن اصل سی و یکم قانون اساسی سخت می‌شود؛ که به حق بر مسکن، آن هم مسکن متناسب با نیاز برای هر فرد و هر خانواده تاکید کرده است. ■

چاره ای نیست! ظاهراً باید از حق بر مسکن به حق بر اسکان کوچ کنیم... کوچ نکنیم چه کنیم؟! گزارش اتوبوس‌خوابی تلخ بود مانند پشت‌بام خوابی، گورخوابی، کارتن خوابی و قس علی‌هذا اما واقعیت دارد: نمی‌توانیم تکذیبش کنیم... با این پدیده‌ها که مواجه می‌شویم حتی خواندن اصل سی و

و عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و خدمات بهداشتی و درمانی و آموزشی، در نظر بگیریم، با استناد به اعلامیه جهانی حقوق بشر باید آن را موضوعی حقوق بشری به شمار آوریم. در سنت فقهی ما نیز مساله آنقدر بدیهی است که حتی صاحب جواهر و محقق حلی این حقوق را نه

برای انسان که حتی برای حیوانات هم از حقوق واجب شمرده‌اند! حقوق بشر، فقه اسلامی، اصول متعدد قانون اساسی و هرآنچه از این قبیل هم که سوز محزون‌ساز ما شود مگر می‌تواند هُرمی پر سوز استخوان‌سوز سرمای زمستان شود؟! سردی هوا، کج فهمی و رخوت مسئولینی که در کف کار حتی قائل به لزوم

مردم در ابتدای انقلاب در اصول متعدد قانون اساسی دولت را متعهد کردند به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛ از حقوق سیاسی گرفته تا حق بر آموزش و تأمین اجتماعی و مسکن. اما فضای مجازی و حقیقی در جامعه حقوقی پُر است از حقوق سیاسی، از حق بر آزادی بیان گرفته تا حقوق انتخاباتی و غیره و غیره. مسائلی که معمولاً و در مقام عمل در اختیار طبقه متوسط به بالا است و حقوق بدیهی‌ای مثل حق بر مسکن یا حق بر غذا کمتر مورد توجه، بحث و بررسی قرار می‌گیرد. شاید مانند داستان کتاب قلعه حیوانات در میان حق‌ها نیز اشرافیت برقرار است! برخی از حق‌ها حق‌تر هست چون فقط طبقات مرفه و متوسط از آن استفاده می‌کنند و برخی از حق‌های مرتبط با فقرا با ارفاق زیاد حق هستند؛ مثل همین حق بر مسکن یا حق بر غذا! اگر فقرا را به معنای محرومیت از امکانات اولیه زندگی از قبیل خوراک و مسکن

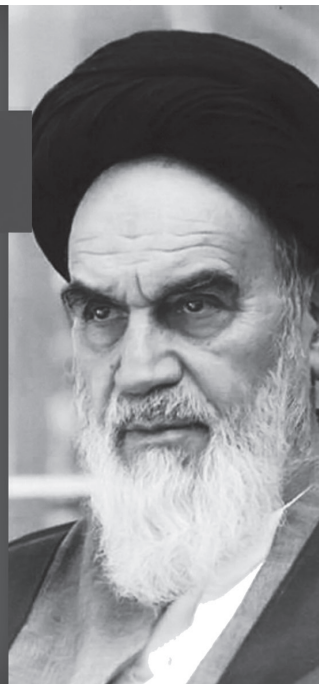


۹۹ امام خمینی

دخالت در سیاست، حقیقت اسلام

و مع الأسف دامنه تبلیغات گمراه کننده به قدری بوده و هست که دخالت در هر امر اجتماعی و سیاسی را در جامعه مسلمین برخلاف وظایف روحانیون و علمای دین می دانند؛ و دخالت در سیاست را گناهی ناخوشودنی می خوانند؛ و فریضه نماز جمعه را به یک صورت خشک مقصور کرده و تجاوز از این حد را ضد اسلام می دانند. و باید گفت اسلام غریب و ناشناخته است، و ملت های اسلامی منزوی و نا آشنا به حقایق اسلامند.

صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۲۱

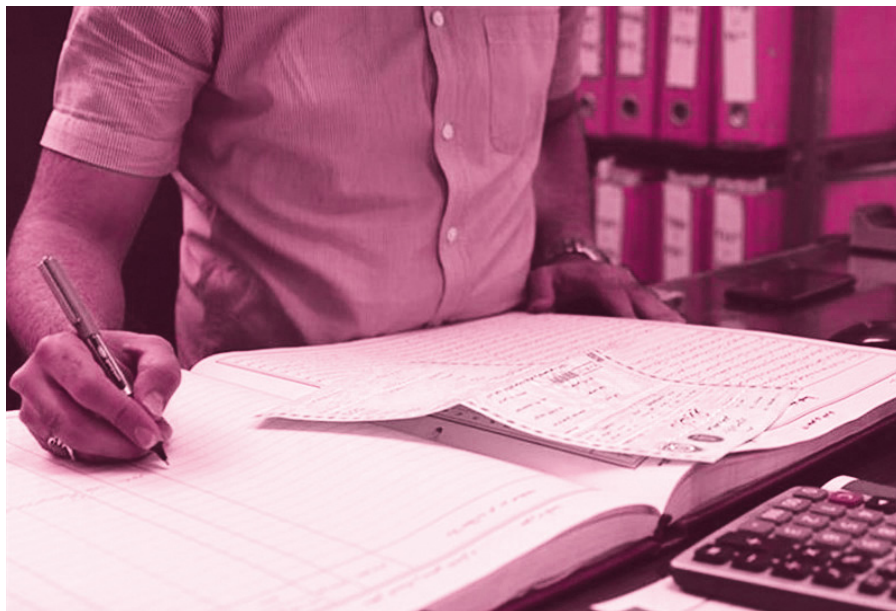


هادی محمدپور

معادله چند مجهولی ثبت سند خودرو

تعارض منافع یکی از مسائلی است که در تمام کشورها از جمله کشور ما وجود دارد این مسئله علاوه بر بهم ریختن نظم عمومی باعث بروز مشکلات عدیده ای برای مردم می شود. امروزه هر کشور مدعی مبارزه با فساد، در تلاش است تا با هدف جلوگیری از اتلاف منابع، افزایش اعتماد عمومی به نظام سیاسی، از این تعارضات پیشگیری کرده و موجبات رشد و توسعه کشور را با دقت و سرعت بیش تری فراهم آورد. در راستای ابلاغ بخشنامه ای از سوی دیوان عدالت کشور که بر اساس آن، دو بند از بخشنامه سازمان ثبت اسناد ابطال و صدور سند مالکیت خودرو توسط دفاتر اسناد رسمی سلب شد و برگ سبز خودرو به عنوان سند به حساب آمد کانون سردفتران سطح کشور مخالفت خود را با این اقدام اعلام کردند. در متن قانون به افرادی که صلاحیت تنظیم اسناد رسمی دارند، اشاره شده است و اصل بر تنظیم و ثبت سند در دفاتر اسناد رسمی و نزد ماموران صلاحیت دار است و غیر از این کسانی که وارد این عرصه می شوند باید دارای صلاحیت های مشخصی باشند. بنا به گفته رئیس کانون سردفتران و دفتریاران، عدم تنظیم سند خودرو در دفاتر اسناد رسمی منجر به تشکیل پرونده در قوه قضاییه خواهد شد و باید در نظر داشته باشیم یک جنبه اسناد رسمی تنها به نقل و انتقالات اختصاص دارد و مراکز تعویض پلاک این امکان را ندارند که این می تواند مشکل ساز شود. بنا به اظهار عضو هیئت مدیره کانون سردفتران، دفاتر اسناد رسمی به استناد برگ سبز اصلا نمی توانند

صورت عدم رعایت این مورد و انتقال مالکیت فقط با استناد به برگه سبز نیز مورد پیگرد قانونی قرار خواهند داشت. این دوگانگی ایجاد شده باعث سردرگمی مردم و کلافگی آنها شده و مردم، تنها کسانی هستند که در این تعارض منافع متضرر خواهند شد. وجود اختلاف نظرهایی که همگی برگرفته از متن قوانین موضوعه متعدد هستند، دیوان عالی کشور را بر آن داشت تا در اولین جلسه رای وحدت رویه خود، با موضوع مرجع صالح برای صدور سند مالکیت خودرو را اعلام کند. قرار بود در این جلسه اختلاف نظرهای چند ساله در این رابطه به پایان برسد اما پس از برگزاری این جلسه گزارش ها حاکی از این بود که این موضوع از دستور کار هیئت عمومی دیوان عالی کشور خارج شد و قرار است در رابطه با انتقال خودرو طرحی دوفوریتی در مجلس مطرح شود. باید دید این بی نظمی ها تا کجا ادامه پیدا می کند و آیا در نهایت سردرگمی مردم در این موضوع به پایان می رسد یا خیر؟



محمد جواد مولوی



تعجب آور؟

خبر کوتاه بود: «طی حکمی عبدالعلی علی عسگری به عنوان مدیرعامل پتروشیمی خلیج فارس منصوب شد». اما واکنش‌ها به این موضوع، جزء اخبار داغ این روزهای فضای مجازی است. اغلب کاربران موضوع را عجیب و غیرقابل باور می‌دانند. همه گمان می‌کردند، رئیس سابق صداوسیما دریک پست فرهنگی منصوب شود و نه دریک هلدینگ صنایع شیمیایی. اما آیا واقعا خبر تا این حد تعجب‌آور است؟ قطعاً خیر! این روزها انتصابات عجیب و غریب، به یک رویه تبدیل شده است و این رویه باعث شده است دیگر هیچ اتفاقی تعجب‌آور نباشد؛ حدود یک ماه پیش وزیر اقتصاد، رئیس فدراسیون تنیس را که لیسانس پرستاری دارد به عنوان معاون حقوقی معرفی کرد! البته که به دلیل فشار عمومی این حکم باطل شد اما نشان‌دهنده رویه نادرست جا افتاده در انتصابات است. به نظر نگارنده این انتصابات تنها یک کارکرد دارد؛ ناامیدی جوانان و دل‌زدگی آنان از دولت! وقتی جوانی عمرش را بر روی تحصیل رشته‌ای خاص می‌گذراند اما زمانی که باید شکوفا شود، مدیری غیرمرتبط و بازنشسته بر سر کار می‌نشیند تنها و تنها ناامیدی به او تزریق شده است و اگر جوان مملکتی ناامید باشد، آن مملکت هیچ ندارد. پس کاش با دقت بیش‌تری افراد را برای مسئولیت‌ها انتخاب کنیم که این انتخاب ما می‌تواند ایران قوی را تشکیل دهد و یا، خدای نکرده ایران ضعیف را.

علی حکیمی



دیدیم که می‌شود

در روزهایی که دولت دوازدهم به بهانه نپذیرفتن FATF و تحریم، کشور را معطل همه‌چیز کرده بود خیلی‌ها زبان‌شان دراز بود. خیلی‌ها دائم فریاد برمی‌آوردند که چاره‌ای نیست؛ یا باید زیر بار مذاکره (ولو با هزینه زیاد و نتیجه اندک برویم) یا باید اینقدر زیر فشار بمانیم که له شویم. می‌گفتند تا FATF نباشد نه می‌توان واکسن وارد کرد، نه دارو؛ نه می‌شود به پیمان شانگهای پیوست و نه می‌شود صادرات به کشورهای همسایه داشت. القصة این سال‌ها آنقدر تحریم و سیاست خارجی شده بود بهانه ناکارآمدی آقایان که همه باورشان شده بود بدون حل این مسائل نمی‌توان کشور را اداره کرد. در همین روزها اما هم شاهد واردات واکسن هستیم، هم به پیمان شانگهای پیوسته‌ایم و هم شاهد افزایش قابل توجه میزان صادرات کشور هستیم. بدون آنکه تحریم برداشته شود و بدون آنکه FATF را امضا کنیم. این امید وجود دارد که با عبور از دوره بهانه‌جویی دولت و ورود به دوره تلاش مجاهدانه دیگر مشکلات کشور نیز به مرور حل شود. ان‌شاءالله.

محمد میکائیل غلامی



فرهنگ؛ اسباب بازی مسئولین!

نوزده آذر ماه سال ۱۳۹۲ جلسه اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر معظم انقلاب: «من چه قدر سر این قضیه حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را نکنند.» به نظر آن‌ها چه مسئله‌ای این قدر اهمیت دارد که رهبر انقلاب در جلسه‌ای در سطح سران قوا و برخی وزرا و سایر اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، این‌گونه از آن سخن می‌گویند؟ جمله کامل ایشان این جمله است: «من چه قدر سر قضیه تولید اسباب بازی داخلی معنی دار و جذاب حرص خوردم با بعضی مسئولین این کار که این کار را نکنند.» نگاهی به وضعیت سال‌های اخیر صنعت اسباب بازی، نشان می‌دهد که توصیه رهبر انقلاب در مورد توجه ویژه به این حوزه، مانند بسیاری دیگر از توصیه‌های ایشان در زمینه‌های دیگر، مورد غفلت و بی‌مهری مسئولین امر واقع شده است. شاید علت این مسئله، کودکانه پنداشتن موضوع باشد. به عبارتی شاید مسئولین در شأن خود نمی‌بینند که به شکل جدی به مسئله اسباب بازی ورود کنند و با زبان بی‌زبانی می‌گویند: «اسباب بازی است دیگر؛ چیز مهمی نیست. وسیله بازی کودکان که این قدر توجه نمی‌خواهد!» اما در حال حاضر، اهمیت این کالای مهم و حیاتی چه از جنبه اقتصادی و چه از جنبه فرهنگی مورد توجه بسیاری از کشورها از جمله چین و آمریکا و... قرار گرفته است و سرمایه‌گذاری‌های کلانی در این حوزه انجام می‌شود. گردش مالی صنعت اسباب بازی در جهان، چیزی حدود ۹۰ میلیارد دلار در سال است؛ و چین با صادرات سالانه حدود ۴۰ میلیارد دلاری، رتبه نخست صادرات اسباب بازی جهان را داراست. به بیانی دیگر، درآمد چین از صنعت اسباب بازی، به تنهایی به اندازه کل درآمد نفتی ایران و حتی بیش‌تر از آن است. اما سهم ایران از این بازار جهانی، به طور میانگین ۱۵ میلیون دلار در سال است که نشان دهنده غفلت از این حوزه است. اساساً نقش اسباب بازی در تربیت کودک، نقشی بی‌بدیل است. به اعتقاد برخی روانشناسان، حدود ۵۰ درصد از شخصیت انسان در کودکی و سال‌های قبل از مدرسه شکل می‌گیرد. در این بازه

سنی، عامل اصلی تربیت و رشد کودک، بازی است. در واقع بازی، زبان کودک است. از طریق بازی است که می‌توان به کودک همکاری و همدلی، شیوه بروز احساسات و عواطف، شیوه تعامل با دیگران، ارزش‌ها و فضائل اخلاقی و بسیاری از مفاهیم دیگر را آموخت. در این میان اسباب‌بازی به عنوان وسیله بازی، جایگاهی ویژه دارد. زیرا نوع اسباب بازی‌ای که در اختیار کودک قرار می‌گیرد، نوع بازی کودک را تعیین می‌کند و بسته به اینکه کودک چه بازی انجام بدهد، شخصیت او شکل می‌گیرد. اگر اسباب‌بازی برای بازی‌های جمعی استفاده شود، کودک تعامل با دیگران، همکاری و همدلی را در بازی یاد می‌گیرد. اگر عروسک‌هایی که برای کودک تهیه می‌شود، نمادی از شخصیت‌ها و انسان‌های فداکار باشد، کودک با الگو قرار دادن آن‌ها سعی می‌کند شخصیت خود را به آنان نزدیک کند. اما در حال حاضر با دیدن بازارهای اسباب‌بازی فروشی، می‌توان به وضوح دید که چقدر جای این دست از عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌ها خالی است و به جای آن‌ها، بازار پر است از وسایل بازی غیرمرتبط با فرهنگ بومی ما. عروسک‌هایی که نماد شخصیت ابرقهرمان‌های هالیوود هستند و باعث ترویج خشونت در بین کودکان می‌شوند. اسباب‌بازی‌هایی که ذائقه کودکان را تغییر داده‌اند؛ طوری که تمام تلاش و کوشش کودک این است که شبیه مرد عنکبوتی و یا باتمن بشود! البته نکته قابل توجه این است که آنچه باعث محبوبیت این شخصیت‌ها در بین کودکان شده است، پیوست فرهنگی آنان است. به عبارتی پیوست فرهنگی یعنی شناساندن شخصیت‌ها و الگوها به کودکان. در هالیوود، برای یک ابرقهرمانی مانند مرد عنکبوتی و یا باتمن ابتدا چندین فیلم و انیمیشن تولید می‌شود و بعد از آن که از آن شخصیت، تصویر یک آدم شکست‌ناپذیر در ذهن کودکان شکل گرفت، اسباب بازی آن وارد بازار می‌کند. در حالی که در ایران، معدود کارهایی که در این زمینه انجام شده، بدون پیوست فرهنگی بوده و همین عامل، اسباب بازی‌های داخلی را فاقد جذابیت خاصی برای کودکان می‌کند. در آخر هم باید گفت تهاجم فرهنگی یک حرف نیست؛ یک واقعیت است. واقعیتی که هنوز برخی مسئولین آن را جدی نمی‌گیرند. راه مقابله با این تهاجم هم تأسیس چند سازمان و نهاد دولتی نیست. حمایت از گروه‌های مردمی و جوانان با انگیزه‌ای است که در جبهه فرهنگی در حال جهاد هستند؛ اما به جای حمایت، طرد شده و جدی گرفته نمی‌شوند.



پنالتی در دولت سیزدهم

صد و بیست روز از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد و عموم جامعه همچنان مطالبه تحول را از دولت سیزدهم درگوشه ذهن دارند. اینکه چقدر این مطالبه عمومی عملیاتی خواهد شد فعلاً مورد بحث ما نیست. چرا که راه طولانیست و تا انتهای عمر دولت سیزدهم زمان زیادی باقی مانده. اما نکته‌ای که قابل توجه است، بازخوانی شرایط سیاسی و اجتماعی چندین ساله مردم در طول ۳۰ سال گذشته است. اینکه این بازخوانی چه ارتباطی با مطالبه مردم پیرامون تحول در کشور دارد، سوال اساسی این یادداشت است.

پرده اول: اعتماد مردم

در برابر اقتدار دولت‌ها

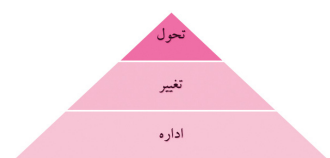
جمهوری اسلامی طی ۳۲ سال اخیر، با چهار دولت همراه بوده که هر کدام، ایده و تفکر خاص خودش را برای اداره کشور داشته است. دولت هاشمی رفسنجانی با ایده توسعه و سازندگی پس از جنگ وارد عرصه حکمرانی کشور شد و تا حدودی در راستای اهداف خود حرکت کرد و موفق نیز بود. اینکه ماهیت شعار و ایده دولت هاشمی (یعنی توسعه) چه میزان در زندگی مردم تأثیر داشته، محل بحث ما نیست. نکته مهم وجود یک ایده واحد برای مدیریت و حکمرانی کشور است. در خلال و پس از دولت هاشمی، ایده توسعه آنقدر مطرح شد که همچنان بعد از گذشت ۲۵ سال، دولت هاشمی با عبارت توسعه شناخته می‌شود. برند توسعه برای دولت هاشمی، حکایت از وجود یک ایده واحد برای نظام حکمرانی کشور در آن سال‌ها دارد. پس از دولت سازندگی، دولت سیدمحمد خاتمی با ایده گفت‌وگو و یا گفتگو تمدن‌ها روی کار می‌آید. در این دولت نیز ایده واحد برای حکمرانی در کشور، گفتگو تمدن‌ها و در نتیجه استفاده از راهبرد مذاکره برای عملیاتی کردن ایده خود است. پس از آن دولت احمدی نژاد نیز با شعار عدالت اجتماعی و رفع تبعیض به نفع مستمندان به روی کار آمد. در واقع ایده اصلی احمدی نژاد برای نظام حکمرانی کشور، بازگرداندن زمین بازی به نفع مستضعفین بود که تا حدودی نیز در عمر دولتش موفق عمل کرد. مسکن مهر، هدفمند کردن یارانه‌ها، طرح سهمیه‌بندی بنزین و... نمونه‌ای از راهکارهای احمدی نژاد برای

به ثمر رساندن ایده کلی دولتش بوده که تا به امروز همچنان مورد اقبال برخی سیاسیون واقع شده است. با وجود تمام سوءمدیریت‌ها در این ۲۴ سال، وجود یک ایده واحد در هر دولت برای مدیریت کشور، باعث می‌شد مردم همچنان به هویت و اقتدار دولت‌ها اعتماد داشته باشند و با تصمیم‌های بزرگ در دولت‌های ذکر شده همراه شوند. چرا که تصمیم‌های بزرگ در دولت به پشتوانه اعتماد عمومی گرفته خواهد شد.

پرده دوم: شناخت

لایه‌های حکمرانی

در هر کشوری، سه سطح برای حکمرانی وجود دارد. این سه سطح به ترتیب عبارت‌اند از اداره، تغییر و تحول. مراد از شناخت این لایه‌ها، درک میزان قدرت دولت‌ها در مواجهه با این سه سطح است. در واقع هر دولتی متناسب با شرایطی که دارد، در یکی از لایه‌های نامبرده شده ورود خواهد کرد و حتی ممکن است به صورت پویا از لایه‌ای به لایه دیگر انتقال یابد. شرط تحول، پشتیبانی محکم مردم از دولت در هر شرایطی است. در دل این تعریف، نشاط و حرکت عمومی مردم نیز از مولفه‌های اصلی تحول محسوب می‌شود. نمونه‌ای از رویکرد تحولی دولت و مردم را می‌توان در حرکت عمومی مردم در دفاع مقدس، انتخابات ۸۸ و یاحتی ۹۲ بیان کرد. شرط تغییر، آگاهی دولت به شرایط موجود و سپس تصمیم‌گیری است. لایه اداره نیز در نازل‌ترین سطح، بیانگر اداره امور بدون بوجود آوردن مشکلات معمول است.



پرده سوم: دولت روحانی،

قاتل نشاط و حرکت مردم

اما با روی کار آمدن دولت روحانی شرایط به کلی تغییر کرد. دولت روحانی نه ایده کلی برای مدیریت کشور داشت و نه اراده‌ای برای تدوین شیوه حکمرانی. برخی ایده دولت روحانی را مذاکره می‌دانند. اما مذاکره ایده واحد برای حکمرانی با ابعاد گسترده محسوب نمی‌شود. دولت روحانی آنقدر در شیوه مدیریت داخلی

و حتی مذاکرات و در نهایت امضا برجام، افتضاح به بار آورد که به مرور، روحیه نشاط و حرکت عمومی مردم را خدشه‌دار کرد. نقد دولت روحانی صرفاً به برجام خلاصه نمی‌شود. نقد دولت روحانی به نوع رویکردش در لایه‌های حکمرانی ذکر شده باز می‌گردد. آنجا که فارغ از تحول و تغییر، دولت روحانی در اداره کشور نیز ناتوان بوده. این جمله نقد نگارنده نسبت به دولت روحانی نیست بلکه به اذعان برخی از سیاسیون دولت قبل، روحانی در اداره دولت نیز به عمد یا غیرعمد موفق عمل نکرد. اوج بی‌کفایتی دولت در اداره کشور و در نتیجه کشتن نشاط و حرکت عمومی مردم در آن تا دی ۹۸ قابل مشاهده است. آنجا که عدم نتیجه مذاکرات روز به روز به زخم مردم نمک می‌پاشد، کمی بعد ماجرای گرانی بنزین و افتضاح دولت در اجرا آن مردم را به خشم می‌آورد. بعد از آن سوء مدیریت دولت در کنترل سیل خوزستان و کمی بعد در اوج ناآرامی‌های اقتصادی و حوادث طبیعی، ترور شهید سلیمانی و پس از آن شهید فخری زاده اتفاق می‌افتد و تهدید علیه امنیت ملی را به فوج عظیم مشکلات گذشته اضافه می‌کند. هر کدام از مشکلات فوق برای فروپاشی درونی یک ملت کافی است. حال در نظر بگیرید ایران تنها در عرض ۳ ماه، با حوادثی روبرو شده که هر کدام به مثابه تهدید و تضعیف ملت محسوب می‌شود. حوادثی که بیش‌تر آن‌ها از جانب سوءمدیریت داخلی و دولت روحانی اتفاق افتاد. با این شرایط مردم باهم همراه دولت (بخوانید کشور) ماندند.

پرده چهارم: خطا و پنالتی

قانونی در فوتسال هست که بیان می‌کند اگر تیمی در هر نیمه ۵ خطا مرتکب شود، به محض ارتکاب خطای ششم، ضربه پنالتی برای تیم حریف در نظر گرفته خواهد شد. حکایت فوق، داستان فعلی جمهوری اسلامی و دولت سیزدهم است. جمهوری اسلامی طی سالیان اخیر به خصوص در دولت ۱۱ و ۱۲، تمام خطاهای خود را مرتکب شده. از این پس اولین خطا به مثابه پنالتی بر پیکرده نظام و البته مردم خواهد بود. مردمی که تنها طی آن‌ها تا دی ۹۸ بارها و بارها در شوک‌های متعدد سیاسی و امنیتی فرو رفته‌اند، دیگر طاقت ماجرای جدیدی را در فضای سیاسی کشورشان ندارند. وجود ایده واحد برای حکمرانی در دولت رئیسی تفاوت‌چندانی با نبود آن ندارد. چرا که مردم آنقدر خسته و بی‌رمق شده‌اند که وجود ایده برای تشویق مردم در تصمیم‌های بزرگ، فایده‌ای نخواهد داشت. مقایسه کنید شور و حال و امید مردم در انتخابات ۸۸ با ۱۴۰۰ را. دولت رئیسی به پشتوانه چه نیرو و حمایتی از جانب مردم دست به تحول چند صد روزه و یا چند ساله در ساختار کشور بزند؟ البته این نوشتار به هیچ وجه قصد رفع مطالبه عمومی پیرامون تحول را ندارد. تنها قصد نگارنده، زدن عینک واقع‌بینی و درک کامل مردم از شرایط کشور است. آنجا که اگر دولت رئیسی بتواند لایه اداره را بدون حاشیه مدیریت کند، موفقیتی درخور خواهد بود. برای ورود به لایه‌های بالاتر حکمرانی نیز زمان لازم است که آن‌شاءالله همیاری مردم و همدلی آن‌ها این مسیر را سهل خواهد کرد.

فتح؛ نشریه گفت‌وگو با انقلاب اسلامی
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

شناسنامه فتح ۲۲۰

مدیرمسئول: علی راستی	جانشین مدیرمسئول: پوریا عصار
سرمدین: علی حکیمی	جانشین سرمدین: محمد مهدی محمدزاده
دبیر هیئت تحریریه: محمد بوالحق	مسئول فضای مجازی: احمد رضا حبیبی

دبیر کارگروه‌ها

دبیر فرهنگی: مهدی مولی‌داد	دبیر سیاسی: محمدصادق رحیمی
دبیر تاریخی: ابوالفضل کشتکار	دبیر حقوقی: محمد رضائی جوزانی

دبیر حکمرانی: سید امیرحسین عراقچی

درگاه‌های ارتباطی فتح

FathISU_IR   

FathISU_IR  **صفحه اینستاگرام**

BasijISU.ir

نسخه دیجیتال فتح را  **با اسکن این کد دریافت کنید**